

«شرق»

تناقضات میان مواضع اعلامی و اعمالی اروپا درباره ایران را طی گفت‌وگویی با ابوالقاسم دلفی واکاوی می‌کند

برای آغاز تنش‌زدایی با اروپا امروز بهتر از فرداست



عبدالرحمن فتح‌الهی؛ به دنبال سخنان دیروز (چهارشنبه) محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، دال بر اینکه آژانس انرژی اتمی به دلیل فشارهای سه‌کشور اروپایی، اعلام کرده گزارش جامعی را در نوبت بعدی تهیه می‌کند، به وضوح مشخص است که کشورهای اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلستان) با فشار به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تهیه گزارشی جامع درباره وضعیت هسته‌ای ایران به دنبال تغییر فضای سیاسی در قبال تهران هستند. این در حالی است که دوشنبه این هفته، کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، از تلاش برای تعامل با تهران خبر داد و طی سخنانی تأکید کرد این اتحادیه به دنبال ارائه ابتکارهای جدید و پیشنهادهای ملموس برای تعیین مسیر تعامل با ایران است. این تحولات متناقض نشان‌دهنده وضعیت پیچیده و چندلایه روابط ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اتحادیه اروپا و ایالات متحده است. از یک طرف ایران بر تعهدات خود به برجام و نظارت آژانس تأکید دارد و در تلاش است با کشورهای اروپایی وارد گفت‌وگوهای سازنده شود، اما از سوی دیگر، فشارهای سیاسی، به‌ویژه از سوی آمریکا، باعث پیچیدگی و تنش بیشتر در این روابط می‌شود. احتمال فعال‌شدن مکانیسم‌های ماشه و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران به عنوان یک ابزار فشار، تهدیدی برای منافع ایران است.

بنابراین اکنون این سؤال مهم وجود دارد که سیاست خارجی اروپایی‌ها در قبال جمهوری اسلامی ایران و مشخصا پرونده فعالیت‌های هسته‌ای، چگونه سیاستی است؟ خصوصا آنکه به دنبال شکاف بین قاره سبز و ایالات متحده آمریکا این تصور به وجود آمده بود که تهران به یک فرصت

برای از سرگیری روابط با اروپا دست پیدا کرده است. ولی به نظر می‌رسد اکنون یک وضعیت مبهم و در عین حال متناقض از نسوی اروپا هستیم که از یک سو با فشار به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دنبال تهیه گزارش جامعی از پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نشست فصلی شورای حکام هستند و از سوی دیگر، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از لزوم تعامل با تهران می‌گوید. حال این تناقض چه معنایی می‌دهد و چه مسیری را در مناسبات بین تهران و اروپا رقم خواهد زد، سؤالی است که پاسخش را در گفت‌وگو با ابوالقاسم دلفی پی گرفته‌ایم. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گپ‌وگفت با سفیر اسبق ایران در فرانسه، صربستان، بلژیک، کمبیا و شیلی است.

●●●

جناب دلفی، از تناقض مواضع عملی و اعلامی اروپایی‌ها درخصوص ایران و پرونده هسته‌ای کشورمان شروع کنیم. چرا از یک سو کایا کالاس، مسئول جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بر لزوم تعامل با تهران می‌گوید و در سوی دیگر، دیروز چهارشنبه محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، از فشار ترونیگای اروپایی برای تهیه گزارش جامع توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی درخصوص پرونده هسته‌ای ایران خبر می‌دهد. این ابهام چه معنایی می‌دهد؟
اتفاقا به نظر من اروپایی‌ها مبهم عمل نکرده و نمی‌کنند، بلکه روشن و شفاف در برابر ایران حرکت می‌کنند...

یعنی شما منکر تناقضات در گفته‌ها و اقدامات اروپایی‌ها هستید؟
هیچ تناقضی وجود ندارد. اگر تناقضی ما مطرح باشد متوجه سیاست خارجی ایران است. چطور؟

واقع امر این است که سیاست خارجی ما، به خصوص بعد از تجاوز روسیه به خاک اوکراین، در قبال اروپایی‌ها و در یک چارچوب کلان‌تر در قبال غرب، آن‌طورکه باید روشن و شفاف نبوده است.

برخلاف آنچه گفتید، دوشنبه این هفته شاهد دور جدید مذاکرات توسط عباس عراقچی با اروپایی‌ها در ژنو بودیم که کاظم غریب‌آبادی آن را مثبت ارزیابی کرد.

کدام مذاکره! صرف موضع‌گیری مثبت، اعلام آمادگی برای مذاکره با اروپا و برخی نشست دیدارها به معنای اتخاذ رویکرد جدی و عملی برای تنش‌زدایی با اروپا نیست. با وجود چند دور دیدار، هنوز گامی دربارۀ ورود به بحث‌های محتوایی برداشته نشده است. حتی مقامات امور خارجه توصیه می‌کنند که در توصیف دیدارهای ژنو از عبارت «مذاکره» استفاده نشود. این به معنای تنش‌زدایی با اروپاست! کماینکه در طول جنگ اوکراین هم تهران از یک سو هرگونه ادعا و اتهام درخصوص حمایت از روسیه و ارسال تجهیزات و تسلیحات را منکر شد و همواره خود را به عنوان یک میانجی برای پایان‌دادن به این جنگ نشان داد.

به هر حال جنگ اوکراین به شکل عملی امنیت و تمامیت ارضی اروپا را تحت الشعاع قرار داد و این علاوه‌بر آثار و تبعات مخرب اقتصادی، تجاری، انرژی و سایر موضوعات مربوط به این اتحادیه است. طبیعتا اروپا هم‌اکنون نمی‌تواند با چند دیدار وزیر امور خارجه ایران و معاونانش به این باور برسد که تهران به دنبال تنش‌زدایی عملی است. از طرف دیگر نباید فضای متفاوت در اروپا بعد از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید را هم فراموش کرد. تقریبا طی ۴۰ روز گذشته دونالد ترامپ، هم روی مسائل داخلی اروپایی‌ها فشارهایی جدی وارد کرده و هم به دنبال آن است که سیاست خارجی اتحادیه اروپا را در همه موضوعات مبتنی بر اهداف و منافع ایالات متحده تعریف کند. اخیرا کنگره آمریکا به دنبال فشار بر اروپایی‌ها برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه علیه ایران است تا علاوه‌بر ایجاد اجماع جهانی، به نحوی تحریم‌ها و فشار حداکثری دونالد ترامپ در قبال تهران توجیه شود و دیگر کشورها هم به آن بپیوندند. در چنین شرایطی که دونالد ترامپ با فشار حداکثری به دنبال آن است که تهران از موضع ضعف وارد مذاکرات با واشنگتن شود تا توافقی مطابق با خواسته او محقق شود، طبیعتا هرگونه انعطاف یا چراغ سبز از سوی اروپایی‌ها برای ایران با حساسیت آمریکا مواجه خواهد شد و چون قاره سبز نمی‌خواهد شکاف فعلی بین اروپا و آمریکا درخصوص جنگی کنونی نتیجه آن است. اتفاقا در شرایط همراهی، همسویی و حمایت خود را از سیاست‌های ضدایرانی ترامپ خواهد داشت.

پس به باورتان آن‌گونه که برخی معتقد بودند گسل کنونی بین دو سوی آتلانتیک (اروپا و آمریکا) به معنای فرصت برای ایران نیست؟

به‌هیچ‌عنوان. هیچ‌وقت این گسل به معنای فرصت نبوده است. اروپا قطعاً بین ایران و آمریکا، ایران را انتخاب نمی‌کند. در این موضوع شک نداشته باشید.

چرا؟

پاسخ کامل روشن است. سطح روابط تجاری، اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی، نظامی، تسلیحاتی و... بین اروپا و آمریکا اساسا اجازه نمی‌دهد که قاره سبز جز مسیر حمایت از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا تصمیم دیگری اتخاذ کند. به همین دلیل بود که من از همان روزها و هفته‌های ابتدایی دولت چهاردهم و در گفت‌وگو با شخص شما و روزنامه «شرق» تأکید فراوان داشتم‌که باید محوریت کار سیاست خارجی این دولت و عباس عراقچی بر تنش‌زدایی با اروپا اختصاص پیدا کند که به هر دلیلی نشد و شرایط کنونی نتیجه آن است. اتفاقا در شرایط کنونی که اختلافات بین اروپا و آمریکا بیشتر شده است، دو طرف سعی خواهند کرد روی نقاط اشتراکی و فصول مشترک حرکت کنند تا به نحوی این اختلافات و گسل‌ها را کنترل و مدیریت کنند. در چنین فضایی خصوصا اروپایی‌ها روی نحوه تعامل با تقابل با ایران و رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران سعی خواهند کرد در مسیر و ریل‌گذاری آمریکایی‌ها حرکت کنند. در حال حاضر یک اشتراک نظر بین اروپا، آمریکا و آژانس دال بر این وجود دارد که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند...

همین‌جا توقف کنیم. خب اینکه بهانه است، ایران بارها اعلام کرده قصد دستیابی به سلاح هسته‌ای ندارد، اما به آژانس اشاره کردید. رفتار رافائل کروسوی و آژانس را هم چگونه می‌بینید؟ یعنی همان‌گونه که عنوان کردید اروپا بین ایران و آمریکا قطعاً ایران را انتخاب نمی‌کند، آژانس بین المللی انرژی اتمی هم جانب تهران را نخواهد گرفت؟

هرچه هست، قبل‌تر هم اشاره کردم و باز می‌گویم اکنون یک فصل مشترک وجود دارد بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آمریکا و اروپایی‌ها که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. سطح بالای غنی‌سازی و ابعاد پرونده هسته‌ای به این نگرانی مشترک سه طرف دامن زده است. یعنی دایره اشتراک نظر و به تبعش دایره اشتراک عمل بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آمریکا و اروپایی‌ها بیشتر خواهد شد. از طرف دیگر حتی وقتی پرونده هسته‌ای ایران هم

ابعاد نگران‌کننده‌ای برای این سه طرف (اروپا، آمریکا و آژانس) ندارد، باز هم چون نوع مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران، «سیاسی» است، نه «فنی» طبیعتا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مسیر مد نظر آمریکایی‌ها و دونالد ترامپ عمل می‌کنند. لذا همان‌گونه‌که اروپا بین ایران و آمریکا، ایران را انتخاب نمی‌کند. نمی‌توان از نهادی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم این انتظار را داشته باشیم‌که بخواهد طرف ایران را بگیرد. چون بخواهیم یا نخواهیم، منطق قدرت در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل حاکم است و اکنون قدرت با غرب است، حتی اگر این قدرت اخلاقی و حقوقی نباشد.

با توجه به این حرف‌های‌تان، شما هم به نحوی بر فعال‌شدن مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها اذعان دارید؟

من تقریبا فعال‌شدن مکانیسم ماشه را قطعی می‌دانم.

با چه دلیل؟

چون با توجه به همان اشتراک نظر بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایالات متحده آمریکا و اروپایی‌ها به به‌ویژه بعد از اینکه دونالد ترامپ روی کار آمده، این اشتراک نظر و اشتراک عمل پررنگ‌تر شده است. قطعاً نحوه مدیریت و حل‌وفصل پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران در یکی از این دو سمت خواهد بود؛ یا باید قبل از اکتبر ۲۰۲۵ (مهرماه ۱۴۰۴) و پیش از انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ به‌عنوان ضامن اجرایی برجام، مذاکرات جدید و توافق جدیدی برای جایگزینی با برجام به دست آید یا اینکه پیش از این تاریخ باید با فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها، غربی‌ها مانع از این شوند که پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت و سازمان ملل خارج شود و چون در فاصله حدود هفت‌ماهه تا مهرماه ۱۴۰۴ بعید است مذاکراتی جدی بین ایران و اروپا شکل بگیرد، از هم‌اکنون احتمال دارد ترونیگای اروپایی عضو برجام، گام‌هایی برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه بردارند.

به‌ویژه آنکه این پروسه به یک بازه زمانی ۶۰روزه نیاز دارد تا عملیاتی شود...

بله و اتفاقا پیرو نکته شما در بهترین حالت، ایران نه هفت ماه بلکه نهایتا پنج ماه فرصت دارد و چون عباس عراقچی هم در آخرین اظهارنظر خود در نشست خبری مشترک با سرگنی لاوروف صراحتا عنوان کرده است که مذاکرات با شرایط کنونی و تحت فشار، از جانب ایران انجام نمی‌شود، اروپا بدیهی می‌داند که در این فاصله چندماهه تا اکتبر ۲۰۲۵، مذاکره و توافق جدید حاصل نخواهد شد.

و به باور شما، ایران چه برنامه یا راه برون‌رفتی از این مسئله دارد؟ می‌تواند با اقداماتی نظیر حضور رافائل کروسوی در تهران یا مذاکرات جدی‌تر با اروپا این پروسه را به تأخیر بیندازد؟

به‌هیچ‌عنوان، شکل از یک سو اقداماتی مانند دعوت از کروسوی و مذاکرات و توافقات بین ایران و آژانس چندین بار در آستانه نشست فصلی شورای حکام از جانب تهران عملیاتی شده است و دیگر کارکرد سابق را ندارد. الان هم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و هم طرف غربی به این نوع سیاست‌ها و رفتارهای ایران در آستانه نشست‌های فصلی شورای حکام واقفاند. پس حتی اگر دعوتی هم صورت بگیرد که نخواهد گرفت، اتفاقا را رقم نخواهد زد و دوم آنکه فاصله زمانی کوتاه چندماهه تا انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ چنان انقباض زمانی را شکل داده که غربی‌ها راه‌حل در دسترس برای کنترل فعالیت‌های هسته‌ای ایران را فعال‌کردن مکانیسم ماشه می‌دانند.

پس باید برسید چرا غرب چنین تصویری دارد؟

چون به باور غربی‌ها اگر قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، ذیل فعال‌شدن مکانیسم ماشه بازگردد و در کنار آن کارزار فشار حداکثری دونالد ترامپ هم اعمال شود که این کار چند هفته است که شروع شده، سینرژی این دو اتفاق باعث خواهد شد که تهران در ضعیف‌ترین حالت ممکن و با حداقل درخواست‌ها و انتظارات پای میز مذاکره با غرب حاضر شود و در نهایت توافق جامع از پرونده هسته‌ای تا موشکی و منطقه‌ای را خواهد پذیرفت. در‌صورتی‌که اکنون اروپا و آمریکا اگر بخواهند مذاکراتی با ایران انجام دهند، فرصت لازم تا مهر سال آینده وجود ندارد و اینکه ایران در این شرایط به مذاکراه‌ای جز پرونده هسته‌ای و جز با طرف اروپایی تن نخواهد داد. اما بعد از فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها به موازات اعمال کمین فشار حداکثری دونالد ترامپ، دیگر غرب نگران انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ برجام و خروج فعالیت‌های هسته‌ای ایران از دستور کار سازمان ملل و شورای امنیت نخواهد بود. آن زمان غرب بدون هیچ‌گونه انقباض زمانی و بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی منتظر تأثیر سینرژی کمین فشار حداکثری و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت بر ایران خواهد بود تا مذاکرات جامع با هدف تحقق توافق جامع بر تهران تحمیل شود. به همین دلیل است‌که من از همان روزهای ابتدایی دولت چهاردهم مدام بر تلاش‌های جدی و عملی برای تنش‌زدایی با اروپا تأکید کردم که به این نقطه نرسیم. ما الان در نقطه‌ای هستیم که با ایران دوباره به ذیل فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل بازمی‌گردد یا باید شروط، خواسته‌ها و مطالبات غرب را بپذیرد. ما پیش‌تر می‌توانستیم به این نقطه نرسیم.

ولی گفته شده بود که احتمالا روس‌ها می‌توانند میانجی بین ایران و غرب و مشخصا دولت ترامپ باشند که به این نقطه نرسیم یا حداقل تنش به نقطه کنترل‌ناپذیر و مدیریت‌نشدنی یا نقطه برگشت‌ناپذیر نرسد تا بتوانیم فرصت کافی برای مذاکره را فراهم کرده و به نحوی شرایط و فضای لازم...

اتفاقا نکته اینجاست که سفر سرگنی لاوروف درست در میانه تنش اروپا و آمریکا، به‌هیچ‌عنوان پالس مثبتی برای اروپایی‌ها از جانب تهران نبود. اینکه عباس عراقچی هم در نشست مشترک خبری با همتای روس خود صراحتا عنوان می‌کند که ما در مذاکرات با غرب و در پرونده هسته‌ای مواضعی مبتنی و هماهنگ با روس‌ها و چینی‌ها اتخاذ می‌کنیم، نشان می‌دهد که کماکان در همان پاشنه سابق می‌چرخد و فرقی بین دولت پزشکیان و رئیسی و بین امیرعبداللهیان و عراقچی نیست.

خبر

به مناسبت روز جهانی بیماری‌های نادر **پزشکیان: دولت تمام تلاش خود را برای حمایت از بیماران نادر می‌کند**

به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، مسعود پزشکیان روز چهارشنبه در پیام خود به مناسبت روز ملی بیماری‌های نادر، گفت: مجاهدت‌های خالصانه بنیاد بیماران نادر ایران و همه پزشکان، متخصصان، خیران و نهادهای مردم‌نهاد نقشی بی‌بدیل در خدمت‌رسانی به مبتلایان به بیماری‌های نادر ایفا می‌کنند. رئیس‌جمهور در پیام خود با تأکید بر اینکه آگاهی از مشکلاتی که مبتلایان به بیماری‌های نادر و خانواده‌های دلسوزشان با آن روبه‌رو هستند، مسئولیت ما را در قبال آنها سنگین‌تر می‌کند، تصریح کرد: تأمین داروهای حیاتی، دسترسی به خدمات درمانی مناسب، حمایت از تحقیقات علمی و فراهم‌آوردن زمینه‌ای‌که زندگی آنها را تسهیل کند، از وظایف دولت و جامعه است. در این پیام آمده است: امروز، در لحظاتی که زندگی با چالش‌هایی نادر و دشوار شما را آزموده است، سخن‌گفتن با شما برای من افتخار و مسئولیتی سترگ است. شما، عزیزانی که با بیماری‌های نادر دست‌وپنجه نرم می‌کنید، نه‌تنها نماد صبر و استقامت هستید، بلکه به ما می‌آموزید که اراده انسان تا کجا می‌تواند در برابر ناملایمات ایستادگی کند. شما، با وجود تمام سختی‌هایی که در مسیر زندگی بر سر راه‌تان نهاده شده، همچنان با امید زندگی می‌کنید. با عشق می‌جنگید و با اراده‌ای تحسین‌برانگیز، معنای واقعی شجاعت را به جامعه می‌آموزید. شما نه‌تنها بیماران این سرزمین نیستید، بلکه سرمایه‌های ارزشمند انسانی و الگوهایی برای جامعه ما هستید. بدون‌شک، آگاهی از مشکلاتی که شما و خانواده‌های دلسوزتان با آن روبه‌رو هستید، مسئولیت ما را در قبال شما سنگین‌تر می‌کند. این تعهد را به شما می‌دهم که دولت جمهوری اسلامی ایران با تمام ظرفیت‌های خود در کنار شما خواهد بود تا بتوانید بدون دغدغه، زندگی‌ای همراه با کرامت و امید داشته باشید.

ام اس با تشخیص به موقع و داروهای موجود قابل کنترل می باشد

ام اس با تشخیص به موقع و داروهای موجود قابل کنترل می باشد

استرس و اضطراب می تواند منجر به بروز ام اس

و تشدید آن گردد

توانبخشی، مثبت اندیشی و ورزش برای بیماران

بیماران ام اس مفید است

www.iranms.org

۰۲۱-۶۶۹۵۱۱۸۷

۹-۶۶۹۵۳۹۰۷

